

شهرزاد

هفته‌نامه مجازی

شماره سیزدهم - جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۹۶



زرگی آبیاز: چرا باید فصل دوم شهرزاد را جدی گرفت؟

مخاطب خاص: باز یکنان فوتبال

گفت‌وگو با عوامل: امیر حسین فتحی

یادداشت کارگردان «اکسیدان»: از عشق، شهرزاد و دخترش

هفته نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سر دبیر: سید محمد صادق لواسانی

تحریریه: سپیده حیدر آبادی، شراره داودی و پریسا چینذری
باسپاس از مسعود رفیع زاده و عرفان بهکار

طراح گرافیک: علی شکوری

عکس: نوشین جعفری

عکس جلد: محمد اسماعیلی

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: www.shahrazadseries.com

تماشای آنلاین و قانونی: www.lotusplay.ir

اینستاگرام: [instagram.com/shahrazadseries](https://www.instagram.com/shahrazadseries)

کانال تلگرام: [http://telegram.me/shahrazadseason2](https://t.me/shahrazadseason2)

هفته نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

سوالات از عوامل سریال و همچنین نظرات خود را به آدرس تلگرامی [@ShahrazadContact](https://t.me/ShahrazadContact) ارسال کنید



تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

فهرست

۳ یادداشت: نرگس آبیبار

۴ خبر

۵ بازتاب

۶ گفت و گو با عوامل: امیر حسین فتحی

۱۰ فضای مجازی

۱۴ از نگاه منتقد: سید رضاصامی

۱۶ کامنت: پیش بینی شهرزادی ها از سر نوشت صابر عبدلی

۱۸ ذره بین: خوشحالم که دختر نوجوانم گردن
اویز مرغ آمین می اندازد...

۲۰ عکس نوشت: قسمت سیزدهم

۲۲ مخاطب خاص: بازیکنان فوتبال

۲۶ قاب آینده: قسمت چهاردهم

چرا باید فصل دوم شهرزاد را جدی گرفت؟



فصل دوم مجموعه «شهرزاد»، نشانه توان برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی در بخش خصوصی و همچنین گامی موثر در صنعت فرهنگ این سرزمین است و همانطور که می‌دانید فرهنگ در دنیای امروز محدود به تلاش‌های فردی و محلی نیست. قدرت و اعتبار یک جامعه به توان مدیریت جریان‌های کلان فرهنگی است و این مدیریت، بهره‌بردن از همه امکانات و زیرساخت‌های اساسی جامعه در حیطه ارتباطات است و «شهرزاد» به خوبی هم از این امکانات بهره می‌برد و هم آن را ارتقا می‌دهد.

«شهرزاد»، اهمیت و غنای تاریخ معاصر ایران را به عنوان تجربه مشترکی که هنوز در مازنده است را یادآوری می‌کند و تذکر می‌دهد که این ملت برای رسیدن به مرزهای جدید و افق‌های نو، چه رنج‌هایی که متحمل نشده است و طرفه آنکه این قصه را در لاف یک داستان عاشقانه بیان می‌کند. «شهرزاد»، موضوع ابدی و ازلی عشق را به جامعه اندکی بی‌رمق شده ما نوید می‌دهد و مکرر و مداوم می‌گوید که برای عشق چه رنج‌ها که نباید کشید و اینکه عاشق حتی زمانی که زندگی سر ناسازگاری می‌گذارد، همواره در جدالی دائمی با زندگی است. «شهرزاد» به ما می‌گوید که خاطر عاشق هرگز آسوده نیست و وصل، آغاز یک داستان تازه است.

«شهرزاد» به ما سینماگران می‌گوید که قاعده ساخت سریال و منس قصه‌گویی برای مخاطب انبوه، چقدر با آنچه که در سینما رواج دارد، متفاوت است. «شهرزاد» در پی تجربه بزرگ دیده شدن توسط مردم است و این راهی است که باید سینمای ما نیز طی کند.

اما «شهرزاد» تنها محدود به داستان و بازیگران پر قدرت و کارگردان فرهیخته‌اش نیست و توانسته از یک ساختار مناسب توزیع و پخش استفاده کند. «شهرزاد» برنامه‌ریزی و تعهد در رسیدن به موقع به مخاطب را به مجموعه بعضاً کند فرهنگی ما آموخته است و این دستاورد تیم تهیه‌کنندگی «شهرزاد»، سود و منفعت فراوانی برای

آنانی خواهد داشت که بعد از این، پایه این عرصه خواهند گذاشت.

آنانی که سریال‌های روز جهان را تعقیب می‌کنند، می‌دانند که هر قسمت سریال تکه‌ای از یک مجموعه بزرگ‌تر است، قطعاتی از یک پازل که باید در انتهای آن در موردش قضاوت کرد اینک مخاطب منتظر شکفتن زده شدن مجدد است و من با شناختی که از تیم سازنده این سریال و خصوصاً نویسنده و کارگردان آن دارم، بسیار به یک شگفتی دیگر در ادامه داستان امیدوارم.

شهرزاد
فیلمنامه‌نویس

تمجید دوسویه میلانی و فتحی از یکدیگر

در هفته‌ای که گذشت فیلم سینمایی «ملی و راه‌های نرفته‌اش» به کارگردانی ته‌مینه میلانی در سینماها اکران شد. سه‌شنبه ۲۸ شهریور مراسم افتتاحیه این فیلم در ایوان شمس برگزار شد و حسن فتحی کارگردان «شهرزاد» نیز در این مراسم حضور داشت. میلانی در همان ابتدا از حاضران خواست حسن فتحی را برای ساخت سریال بی‌ظنیر شهرزاد تشویق کنند. کارگردان شهرزاد نیز که در مراسم حاضر بود، مورد تشویق حاضران قرار گرفت. علاوه بر این، فتحی یادداشتی را درباره فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» به کارگردانی ته‌مینه میلانی منتشر کرد و نوشت: «خانم میلانی عزیز فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» عالی بود و اشک من یکی را که در آورده گمان نمی‌کنم در سینمای ایران این چنددهه فیلمی به این خوبی واقعیت تلخ و شرم آور خوشونت جنسی در یک جامعه مردسالار را با این ظرافت و خوبی ترسیم کرده باشد. صمیمانه بابت این فیلم به شما تبریک می‌گویم.»



وضعیت پخش دو قسمت آخر سریال

روابط عمومی سریال شهرزاد اعلام کرد که قسمت چهاردهم فصل دوم سریال، دوشنبه همین هفته (سوم مهرماه) عرضه می‌شود اما قسمت پانزدهم یک هفته تاخیر خواهد داشت.

بر این اساس، فصل دوم این سریال که در ۱۵ قسمت آماده شده است و بر اساس زمان‌بندی، قسمت آخر باید ۱۰ مهرماه عرضه می‌شد؛ اما سازندگان این سریال تصمیم گرفتند با توجه به فرارسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی و

ایام عزاداری شهادت ابا عبدالله الحسین (ع)، آخرین قسمت این مجموعه را با یک هفته تاخیر دوشنبه ۱۷ مهرماه عرضه کنند.

همچنین تصویربرداری فصل سوم سریال نیز ادامه دارد و زمان عرضه آن در شبکه نمایش خانگی به زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد.



شهرزاد و خبرهای هفته گذشته

همان طور که در بسیاری از سریال‌های او حضور داشتیم؛ به همان دلیل در شهرزاد نبودم.

مانند چند هفته گذشته، عکس‌هایی از قسمت جدید (سیزدهم) در رسانه‌های طرفدار سینمایی مانند سینما تیکت و همچنین خبرگزاری‌های ایلنا و میزان منتشر شد.

یادداشت حمید فرخ نژاد درباره سریال شهرزاد و آثار حسن فتحی نیز در رسانه‌هایی مانند خبر آنلاین، ایلنا، میزان، سوره سینما، آنا، هنر آنلاین، پانا، ایسنا، سینما پرس، سینمای نو و همچنین چندین کانال تلگرامی مرتبط با سینما باز نشر داده شد.

خبر عرضه قسمت سیزدهم شهرزاد نیز در رسانه‌های زیادی باز نشر داده شد. علاوه بر این، گفت‌وگویی از امیر توسلی آهنگساز سریال «شهرزاد» که در هفته‌نامه شماره قبل منتشر شده بود، در خبرگزاری‌هایی مانند ایسکانیوز، میزان، برنا، پانا، تحریر نو و صبا باز نشر داده شد.

هفته گذشته پرویز فلاحی‌پور در گفت‌وگویی با خبرگزاری میزان، به بعضی از انتقادات از فصل دوم «شهرزاد» که تمامی محور آن عدم حضور علی نصیریان بود، واکنش نشان داد. او گفته بود: «برای آقای نصیریان احترام قائل هستم و او را یکی از بزرگترین بازیگران می‌دانم اما مگر بقیه دوستانی که تلاش می‌کنند بازیگر نیستند؟». این واکنش فلاحی‌پور، بازتاب بسیار وسیعی در رسانه‌های سینمایی داشت.

ژاله زکی زاده طراح لباس شهرزاد نیز در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا درباره موضوعات مرتبط با حرفه‌اش سخن گفته است. این گفت‌وگو در کانال‌های تلگرامی مرتبط با پوشاک ایرانی هم بازتاب داشته است.

زکی زاده گفته است: «تقریباً سعی می‌کنیم که به خاطر تنوع، از لباس‌هایی که داریم کمتر استفاده کنیم؛ البته خود آقای فتحی نیز دوست ندارد که لباس بازیگران خیلی تکرار شود. البته این موضوع درباره لباس آقایان صدق نمی‌کند. همان طور که می‌دانید لباس مد توسط خانم‌ها می‌چرخد و با وجود پیشرفت‌های زیاد در حوزه مد، لباس آقایان در سال‌های اخیر چندان تغییری نکرده و فقط در همان مدل‌های سابق و مشخص تغییراتی ایجاد شده است.»

فردین خلعتیری، آهنگساز مشهور سینمای ایران در یک برنامه زنده اینترنتی به نام «آهنگ»، با اشاره به رابطه نزدیکی با حسن فتحی گفته است: «وز سوم فوت افشین بداللهی تنها کسی که توانست کاری کند که احساساتم را بیرون بریزم، حسن فتحی بود. ما با هم بزرگ شدیم. برای یک نسل هستیم. چطور وقتی به کسی می‌گویند آهنگ بساز آدم فهمیده‌ای است و اگر نگویید این طور نیست؟»



گفت و گو با امیرحسین فتحی؛

گاهی شک می‌کنم کدام کار صابر درست و کدام غلط است!

❖ شراره داودی

شاید نام امیرحسین فتحی را بعد از پدرش قرار دهیم، اما او برای رسیدن به نقش امروز و دیده شدن تلاش زیادی کرده، از نقش‌های کوچکی که در آثار مختلف داشته تا شرکت در کلاس‌ها و ورک‌شاپ‌ها همه و همه برای رسیدن به توانمندی در بازیگری بوده است.

فتحی متولد سال ۷۲ است، سنی که از روی ظاهر، چندان قابل حدس زدن نیست! او که در فصل اول «شهرزاد» نقش همایون را بازی می‌کرد، پراز ادا و اطوارهایی بود که مخاطب را اذیت می‌کرد، حالا در فصل دوم فرشته نجات شیرین شده و برای کمک به او از جان خودش هم مایه می‌گذارد.

در سیزدهمین شماره از هفته‌نامه شهرزاد، با امیرحسین فتحی درباره روند بازیگری خودش و این سریال صحبت کرده‌ایم.



شهرزاد



از فصل اول «شهرزاد» آن را کار کردم.

■ چطور شد که برای بازی در «کیفر» انتخاب شدید؟ یعنی خودتان هم دوست داشتید بازی کنید یا انتخاب پدر بود؟

واقعیت این است که در آن زمان یک سالی بود که به سینما علاقه‌مند شده بودم و فهمیدم که پدرم در حال ساخت فیلمی است و برای همان نقشی که من بازی کردم، تست می‌گرفتند. در همان زمان من هم برای تست وقت گرفتم و برای اینکه حاضر باشم، حتی معلم خصوصی گرفتم و خودم را آماده کرده بودم. برای تست که رفتم،

اصلا پدر داخل اتاق نماند و گفت خودتان این کار را انجام دهید! در اتاق علیرضا نادری و سعید سعدی بودند. بعد از تست آقای نادری وقتی می‌خواست صحبت کند، نگاهش به بابا افتاد که

با چشم و ابرو اشاره می‌کرد که «نه! نه!» که در همین لحظه آقای نادری گفتند: «نه آقای فتحی، به نظر من این همان نقشی است که من نوشتم، فقط سنش کم است، باید ببینیم در تست گریم می‌توانیم سن او را بالا ببریم یا نه!» که بعد از تست

■ ورود شما به سینما با فیلم «کیفر» به کارگردانی پدرتان بود. بعد از آن در «پریناز» بازی کردید، فیلمی که تا همین چند وقت قبل توقیف بود. فکر می‌کنید اگر پریناز همان سال‌ها اکران می‌شد، تغییری در روند بازیگری شما داشت؟ چون بین پریناز و «مزار شریف» به عنوان فیلم بعدی‌تان، تقریباً چهار سال فاصله افتاد.

واقعیت این است که اگر «پریناز» همان سال هم اکران می‌شد، خیلی اوضاع برای من فرقی نمی‌کرد، چون دیگر ایران نبودم. در حقیقت من یک هفته بعد از فیلمبرداری از ایران رفتم و در این

مسیر تجربه‌های جدیدی را بدست آوردم. این وقعه چهار ساله به همین دلیل بود که در آن زمان اصلا ایران نبودم. البته وقتی برگشتم تجربه‌های کوچک را انجام دادم تا بین

سینمایی‌ها شناخته و دیده شوم. به همین دلیل کارهای کوچک زیادی در این مدت انجام دادم: از «شاهگوش» آقای میرباقری تا «پرده‌نشین» بهروز شعبانی، «مزار شریف» حسن بریده و آخری هم «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» فرزاد موتمن بود که بعد

پدرم (حسن فتحی) در شهرزاد، نسبت به من سخت‌گیر تر از بازیگرهای دیگر هستند، شاید حتی من را بیشتر از بقیه دعوا می‌کردند!



گفت و گو با عوامل

گرم نتیجه مثبت شد.

تجربه‌هایی که داشتم، فکر می‌کنم بازیگری خیلی موضوع آکادمیکی نیست و من هنوز هم خودم را هنرجو می‌دانم. برای من بازیگری به شکلی است که هر چه بیشتر کار و تمرین می‌کنم، بیشتر یاد می‌گیرم تا اینکه آکادمیک بدانم و از کسی بشنوم. گاهی در تمرین‌ها چیزهایی را می‌توان یاد گرفت که ممکن است بعدها در یک ورکشاپی آن را شنید.

■ درباره «شهرزاد» و نقشی که بازی می‌کنید؛ نقش شما پر از رمز و راز است و تا همین چند قسمت قبل حتی اسم اصلی‌اش را هم نمی‌دانستیم! چطور شد که در این نقش بازی کردید؟

در فصل اول ورود همایون معتمدی خیلی ورود جذابی نبود و بر اساس طراحی بیشتر یک آدم ادا و اطواری با نگاه‌های توخالی بود که اتفاقاً خیلی هم نجسب و سرد رفتار می‌کرد. این‌ها رکن‌هایی بود که با کارگردان صحبت کرده بودیم و باید به همان شکل بازی می‌کردم. حتی اگر در سکانسی کمی احساس در چشم‌ها پیدا می‌شد، کات می‌دادند و می‌گفتند هیچی نباید در چشم‌هایت باشد، به جز سکانس آخر که با حشمت حرف می‌زند و می‌گوید: «بعضی بازی‌ها رو آدم دوست داره که زود تموم نشه» و می‌رود، شاید آن سکانس تنها جایی بود که بخشی از خود واقعی صابر عبدلی را می‌بینیم. بقیه آن ادا و اطوارهایی بود که طراحی شده بودند و اگر فصل دوم مجموعه ساخته نشده بود، در این صورت قصه صابر عبدلی هم ناتمام می‌ماند و مخاطب چیزی از آن نمی‌دانست. اما فصل دوم ساخته شد و حالا او را در روند داستان می‌بینیم.

■ با این حال هم‌چنان «صابر عبدلی» شخصیتی است که کمتر از او می‌دانیم! نقشی که من بازی می‌کنم پر از رمز و راز است و می‌تواند خیلی نقش جذاب و پرچالشی باشد. درست مثل نقشی که در فیلم «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» داشتیم،

■ بازی برای پدر سخت است؟ همیشه پدر و مادرها بیشتر بچه خودشان را دعوا می‌کنند تا مثلاً از بقیه زهر چشم بگیرند! پدر شما هم چنین سخت‌گیری برای شما نسبت به بقیه دارد؟

(با خنده) بله همین‌طور است! به من خیلی سخت‌تر از بازیگرهای دیگر می‌گرفتند! شاید تمام فشارهای دیگری که ممکن بود وجود داشته باشد، در پلان‌های من برخورد می‌شد و دقیقاً برای من همین‌طور بوده که من را بیشتر دعوا می‌کردند!

■ شما تحصیلات آکادمیک خودتان را در رشته بازیگری گذراندید، فکر می‌کنید این درس‌ها موثر هستند؟ بیشتر از این جهت که شما شرایط ورود به سینما را داشتید، اما در استان رادر همین زمینه انتخاب کردید. فکر می‌کنید ورود به این هنر از راه تجربی بهتر است یا آکادمیک؟

من دوره‌های بازیگری را در موسسه کارنامه گذراندم و هم در ایران و هم در خارج از ایران، ورکشاپ‌های مختلفی را شرکت کرده‌ام. نکته‌ای که وجود داشت تلاش زیادی را در مدت زمانی که هنرجو بودم انجام دادم و جزو معدود هنرگوهایی بودم که خیلی تمرین می‌کردم. من حتی زمانی که فیلم کار می‌کنم، اگر ورکشاپی باشد که بدانم چیز تازه‌ای را در آن یاد می‌گیرم، حتماً شرکت می‌کنم. چون اصل بازیگری برای من خیلی مهم است و دوست دارم به بعد توانمند آن برسم و برای این رسیدن تلاش خودم را هم می‌کنم.

بازیگری تجربی و آکادمیک بسته به شرایطی که فرد در آن قرار دارد با هم فرق می‌کنند، گاهی تجربی جواب می‌دهد و گاهی آکادمیک. در سینمای خودمان از هر دو سبک آن داریم، اما نظر شخصی خودم و براساس

نقش صابر عبدلی پر از پیچیدگی است به قدری که خود بازیگر را به اشتباه می‌اندازد که کدام درست است و کدام غلط!





چون کاراکتری که آن جا بازی می کردم هم چالش برانگیز بود. من تلاشم را می کنم و امیدوارم بیننده‌ها از آن راضی باشند.

این نقش پر از پیچیدگی است، به قدری که خود بازیگر را به اشتباه می‌اندازد که کدام درست است و کدام غلط! خیلی نقش سختی است و همین پیچیدگی و سختی است که آن را جذاب‌تر هم می‌کند.

نکته دیگر، سن شماست. شما در نقشی بازی می‌کنید که دست کم از سن فعلی تان، ۷-۸ سال بزرگتر است. این روند سخت نیست؟ خودتان دوست دارید بزرگتر از سن تان باشید؟

من این طور فکر نمی‌کنم. من در تنهایی و خلوت خودم نقش را در سن خودم می‌بینم. اما شاید به واسطه فیزیکی و چهارم کمی بیشتر از سن اصلی‌ام به نظر برسم. واقعیت دوست دارم نقشی که در سن خودم است را بازی کنم. در واقع اگر نقشی باشد که برایم چالش برانگیز باشد و تجربه جذابی هم باشد و بتوانم در نقش بازی کنم، حتما قبول می‌کنم. اما الان اولیتم این است که در سن خودم باشم. البته فکر می‌کنم صابر عبدلی هم خیلی با خودم تفاوت نداشته باشد.

شاید تصور این باشد او ۷-۸ سال بزرگتر است، اما خودم فکر می‌کنم تفاوت سنی من با صابر عبدلی نهایت ۲-۳ سال است.

موضوعی که برای من به عنوان یک جوان جذابیت دارد، این است که ما در آن دوران نبودیم و در دنیای امروز هم تقریباً انگشت اتهام به سمت مان است که اطلاعات زیادی از گذشته تاریخی کشور خود نداریم. شما برای اینکه به حال و هوای دهه ۳۰ نزدیک بشوید، چه کردید؟ رسیدن به نقش جوان آن دوران برای شما چطور اتفاق افتاد؟

طبیعتاً وقتی انسان چیزی را نبیند، نمی‌تواند آن را هم باز آفرینی کند، اما به واسطه فیلم‌های واقعی و سینمایی، کتاب‌ها و عکس‌ها می‌تواند خودش را در آن موقعیت قرار دهد. درباره من هم این شرایط وجود داشت و از همین ابزار استفاده کردم.

البته من هر چقدر هم این کار را انجام دهم، نمی‌توانم

کاملاً به جوانی که در سال ۳۲ زندگی می‌کرده، برسم. به همین دلیل از نشانه‌هایی که در فیلمنامه وجود دارد، استفاده می‌کنم و با این نگاه که اگر من را در آن زمان می‌گذاشتند، چطور بودم، جلوتر می‌روم. چون گاهی فکر می‌کنم آدم‌ها در زمان‌های مختلف رفتارهای نسبتاً مشابهی از خودشان بروز می‌دهند و شاید فقط در گویش‌ها و رفتارهای فیزیکی و اجتماعی فرق کنند. به همین دلیل من سعی کردم صابر عبدلی امروزی را به سال ۳۲ ببرم و نشانه‌هایی که از زندگی آن زمان دارم را در نقش استفاده کنم.

خودتان نظرات مردم رو چقدر دنبال می‌کنید؟

من ۹ سال است که تلاش می‌کنم و در این مدت کارهای کوچک، بزرگ و تئاتر را در کارنامه دارم و یک شبه وارد سریالی به این بزرگی نشده‌ام که نقش خوبی مثل صابر عبدلی را داشته باشم و این برخلاف نگاه عده کمی است که فکر می‌کنند خیلی بدون مقدمه وارد دنیای سینما شدم. به هر حال من بذری که در این سال‌ها کاشتم را توانستم با این سریال که محبوب شده، برداشت کنم. به همین دلیل برایم جذاب است که نظرات را بخوانم و بدانم، البته نه خیلی زیاد که وقت آدم را بگیرد.





چیدمانی با جلد قسمت‌های فصل دوم



قدر پدرت رو تا وقتی هست بدون، چون.



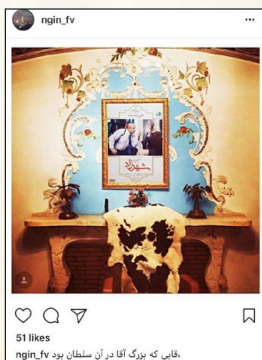
عکسی برای شرکت در مسابقه چهارم



چیدمان یکی از مخاطبان



یک فنجان چای در کنار شهرزاد...



چیدمانی با جلد قسمت سیزدهم شهرزاد





در تندباد حوادث عشق اولین قربانی هستم...



اگرچه هنوز چند قدمی تا وصلت فاصله است اما صدای خیس نفس هایت را از همین فاصله هم می توان شنید



چیدمانی متفاوت از یک مخاطب



شهرزاد و موسیقی-





حقارت‌آمیزترین حس چیه؟



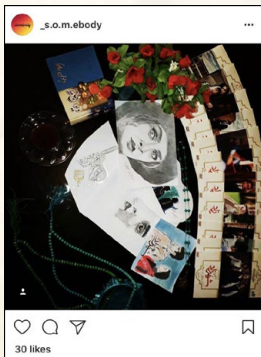
چیدمان شهزادی یک مخاطب



با هم که قدم می‌زنیم...



چیدمان زیبای یکی از مخاطبان



طراحی چهره عمه بلقیس توسط یک مخاطب



شهرزاد قصه‌گویی بود و هزار و یک شبی و...





نقاشی شیرین و صابر



عشق بزدل، عشق رو هم ضایع می کنه



مژده دادند که بر ما نظری خواهی کرد...



بدون شرح...



چیدمانی با ماکت اتومبیل های کاراکترها



عکس یکی از مخاطبان برای شرکت در مسابقه هفته چهارم



عشق و قدرت؛ ناکامی و خودکامگی!

سید رضاصانمی



برخی قصه‌ها در پوسته دراماتیک خود بسته بندی نمی‌شوند و فراتر از ساختار نمایشی خود، بازنمایی کهن الگوها و روایت‌های کلاسی هستند که نه یک یا چند قصه که قاعده زیستن در تاریخ و فرهنگ یک سرزمین را به تصویر می‌کشند، در عین اینکه به مثابه یک اثر مستقل قابل تأویل و خوانش هستند. شهرزاد را می‌توان



به مثابه کنش و تجربه اجتماعی در قصه شهرزاد به یگانگی در درام تن می‌دهند تا در این امتزاج دراماتیک، تصویری عمیق و درون‌کاوانه از زیست -جهان انسان معاصر ایرانی که در آستانه تجربه مدرنیته قرار گرفته، به نمایش دربیاید، تصویری که ریشه بسیاری از بحران‌های فردی و جمعی ما را می‌توان در مناسبات و معادلات روابط قدرت در شهرزاد ردیابی کرد و به درکی انضمامی از تاریخ معاصر و تحولات آن دست یافت.

قصه شهرزاد را نباید در رقابت‌های عاشقانه قباد و فرهاد یا برخی خرده روایت‌های آدم‌های قصه آن خلاصه کرد. در پس این خرده داستان‌ها، می‌توان خردمندانه، تاریخ سیاسی -اجتماعی معاصر را ورق زد و آن را در قالب یک داستان به تماشا نشست. حتی اگر سوبه تاریخی - سیاسی قصه را هم کنار بگذاریم و آن را از منظومه مفهومی کل سریال تفکیک کنیم، باز نمایی واقعیت‌های زندگی و پیچیدگی شخصیت‌های آن واجد نوعی روایت روانشناختی از جامعه ایرانی است، خاصه در ساخت خانواده و روابط عاطفی. گاهی برخی دیالوگ‌های سریال کافی است تا جهانی از مفاهیم و واقعیت‌های انسان شناختی و جامعه‌شناسانه از زیست فرهنگی جامعه ایرانی را از پس آن بیرون کشید و به مثابه یک گزاره تحلیلی، صورت‌بندی کرد. شهرزاد فقط یک قصه عاشقانه تاریخی نیست، روایتی از تاریخ عشق در این سرزمین است، تاریخ ناکامی و تلخکامی‌هایی که همچنان تا به امروز در شمایل و اشکال اجتماعی تازه، باز تولید می‌شود و ما هر کدام شهرزاد و فرهاد یا قباد و شیرین و حتی بهمودی و بزرگ آقا‌هایی هستیم که در امتداد این تاریخ ملت‌ه‌ب، تکثیر و تمدید شده‌ایم.

اگر آن سوی مرزها، سریالی مثل بازی تاج و تخت، بخت بلند می‌باید و مخاطب جذب می‌کند، شهرزاد روایتی از بازی عشق و قدرت در سرزمین ماست که باید آن را فراتر از فرم و ساختار دراماتیک و تکنیکی سریال، درک کرد و به تماشا نشست. شهرزاد روایت تراژیک قصه و غصه جهان ایرانی در تاریخ معاصر است.

مصدق چنین قصه‌هایی دانست که زیست جهان فردی و اجتماعی ایرانی معاصر را در خود پردازش کرده و فراتر از جذابیت‌ها و سرگرمی‌های یک اثر نمایشی، سرشار از ارجاعات متقن تاریخی و انسان شناختی ایرانی است. اینکه در چفت و بست فصل اول و دوم چه ضعف و قوت‌هایی وجود دارد و اینکه آیا فصل دوم، به قوت فصل اول هست و نیست، پرسش دیگری است که هر پاسخی به آن نمی‌تواند انکار قابلیت‌های فرامتنی شهرزاد در خوانش‌های روانشناختی، سیاسی و تاریخی و فرهنگی اثر باشد. به تعبیری دیگر شهرزاد را باید فراتر از جهان سینمایی اثر در ذیل گفتمان و جهان مدرن ایرانی با همه قبض و بسط‌های تاریخی‌اش، توصیف و صورت‌بندی کرد.

در این خوانش قطعا دو عنصر و مؤلفه بیش از همه برجسته می‌شود که تمام قصه و خرده روایت‌های آن در نسبت با این دو مفهوم، در هم تنیده شده و پیش می‌رود: عشق و قدرت. از یک سو هسته مرکزی درام بر مبنای روایت یک رابطه عاشقانه بنا می‌شود که یک سر آن فرهاد و شهرزاد است و سوی دیگرش شهرزاد و قباد. این قصه پرفراز و نشیب عاشقانه، در بستر یک دوره تاریخی از تحولات سیاسی این کشور شکل می‌گیرد که می‌توان آن را به مثابه یک پارادیم سیاسی قابل تعمیم، مورد تأمل و تأویل قرار داد. تأویلی که با ارجاعات تاریخی و تجربه زیست جمعی در این سرزمین، همخوانی داشته و نشان می‌دهد که این دو مقوله، در نسبت معنا دار با هم به تقدیر خویش تن داده‌اند، عشقی ناکام و سیاستی خودکامه که بی‌ارتباط با هم نیستند.

در فصل دوم با جزئیات بیشتری از این دو واقعیت مواجه هستیم، نه فقط در قصه فرهاد و شهرزاد که همچنان قربانی تلخکامی‌های بر ساخته از خودکامگی‌های قدرت و مقتضیات آن هستند، که عشق ناکام قدیمی جمشید و عمه بلقیس! و حتی ناکامی عاشقانه نصرت و شربت! و همه عشق‌های پنهان و خفته‌ای که در پستوی‌های خانه و دل آدم‌های قصه نهفته و ما از آن بی‌خبریم. عشق به مثابه کنش و تجربه فردی و قدرت و سیاست

پیش‌بینی شهرزادی‌ها از سر‌نوشت صابر عبدلی



در قسمت سیزدهم سریال «شهرزاد» روایتی از عشق صابر عبدلی به شیرین به تصویر کشیده شد و حالا که عبدلی گیر افتاده، نگرانی‌هایی را برای مخاطبان به وجود آورد که سرانجام او چه می‌شود. همچنین بخشی از رفتارهای قباد و فرهاد در برابر شهرزاد بیشتر توجه‌ها را به خودش جلب کرده است و مخاطبان درباره این اتفاق‌ها و روندی مثبتی که برای شیرین در حال شکل گرفتن است، نظر داده‌اند.

در سیزدهمین هفته‌نامه شهرزاد، بخشی از این نظرات را می‌خوانید. لازم به توضیح است که درج این مطالب، به معنای تایید همه محتوای آن نیست:

گذاشته که حتی نزاره‌نش بچه‌هاشو ببینه و بگه زن نباید مستقل باشه، یا مثلاً قباد اون همه شب مثل یه ادم محترم پشت در اتاق خوابید نه خودش کوچیک کرده به شهرزاد بی احترامی کرد تا وقتی که اون خودش اجازه نداد نرفت پیشش بعد اونوقت شاپور ...

واقعا مقایسه کردن قباد و شاپور کار اشتباهیه، شاپور یه بیمار روانیه، قباد قلب مهربونی داره ولی زندگی تو شرایط بدی قرارش داده

پریا: من یکی از عاشقای سریال شهرزاد و همچنین عمو شهاب و ترانه جونم هستم و می‌خواستم بگم که من از هر نظر به این سریال نگاه میکنم حُصو به قباد میدم چون خیلی عاشقه واقعا ولی فرهاد فقط ادا و اطوار

فرانک: از قسمت یازدهم به بعد در کامنتای پیچ میبینم که بعضی دوستان شاپور رو با قباد مقایسه کردند!! خدایی این دو تا چیسونه شبیه همه، تنها وجه مشترکشون گذشته‌بندی هست که داشتن، ولی شاپور و گذشته‌بندش از او یک ادم بد ذات ساخته که با سر گرمی ادم میکشه و اینطوری عقده‌هاشو خالی میکنه، ولی قباد قربانی گذشتش شده و ذاتاً ادم بدی نیست و ادم کنشی و قدرت هم براش جذابیتی نداره فقط شهرزاد رو می‌خواد. خدایی شاپور و قباد رو همین تو عشق مقایسه کنین متوجه اینکده شبیه هم نیستن میشین، قباد با اینکده یه مرد سنتی بود تأثیری که عشق روش گذاشت این بود که بگه دل مادر بچه باید شاد باشه که دل بچه هم شاد باشه ولی شاپور عشق روش این تأثیر رو



میاد و انگار وانمود میکنه عاشقه و به نظر من شهرزاد باید برگرده چون آدم باید به زندگی با دید منطقی نگاه کنه نه احساسی و گرنه به قول قباد جان کیه که شوهر و بچه و زندگی شاهونشو ول کنه بره پیچه و رد دل مُتُولی چراغ موشی بولی شهرزاد این کارو کرد البته که من نمیتونم به خودم اجازه بدم که راجب شهرزاد بد بگم شاید به خاطر علاقه ی شدیدم به ترانه جونم که نمیتونم و یا حتی قباد جان جانان که هزاران طرفدار داره (یکیش خودمن) و میخاستم راجب شیء معروف این سریال محبوب یعنی مرغ آمین بگم که من عاشق مرغ آمینم و از طریق این سریال باهاش آشنا شدم و اعتقاد پیدا کردم و چون اعتقاد دارم بهش بیش تر آرزو هامو بر آورده کرده و خیلی خوش حالم که دوباره تو فصل ۲ گوشواره و دست بندش هم مثل گردنبندش وارد سریال شد فقط کاشکی جای فرهاد

سه تار: سر عشقش به شیرین میمونه، اونیکه از اول انقد شیرینو میخاسته که همه سختیها و مشقت هارو به جونش خرید و نجاتش داد.

رضا: بنظر من صابر با حرفایی که دم رفتن شیرین به دارالمجانین زد مردی نیس که تنونه دووم بیاره و عشقش واقعی واقیعه... به شخصه دوس ندارم صابر زیر شکنجه چیزایی که نباید بگه رو به زبون بیاره...

زهره: فکر میکنم طبق خوبی که بلبیس در مورد بزرگ آقا دیده بود که شیرین زندگی جدیدی رو آغاز میکنه احتمالا صابر زنده میمونه.

مهشید: به نظر من به خاطر عشق هر کاری هم که بخواد باهاش بکنن رو تحمل میکنه و وقتی هم تو قسمت قبل حاضر شد به خاطرش این همه سختی و یا حتی مردن رو بپذیره این شکنجه هارو مقابلهش هیچه

یاسمن: به نظر من صابر عشق پایلاری نسبت به شیرین داره و خیلی دوشش داره به خاطر همین موضوع بود که شیرین رو از دارالمجانین نجات داد که زجر نکشه پس مطمئنا اگر شکنجه بشه تحمل می کنه که شیرین به در دسر نیفته...

صبا: از برق چشمای صابر وقتی که به شیرین نگاه میکنه میشه فهمید که هیچ وقت هیچ چیزی رو لو نمیده... من مطمئنم تحمل میکنه و حرفی نمیزنه، اگر چه دیدن شکنجه شدن و زجر کشیدنش هم خیلی آزار دهنده است اما میدونم که به شیرینش میرسه... با وجود همه سختی هایی که حتی برای خودمن هم قابل تحمل نیست... مخصوصا سختی های صابر.

مهشید: به نظر من به خاطر عشقش به شیرین و علاقه ای که دارد به او، کاری انجام میدهد که باعث اذیت شدن او نشود به طور مثال شکنجه هارو تحمل میکند و لب تر نمیکند و چیزی به شهر بانمیگوید شیرین تکه ای از وجود صابر شده است و ارمش او برابر است با ارمش صابر و حالا که شیرین به اسایشگاهی خوب رفته است صابر هم خیالش از بابت او راحت است و به نظر من اقای ترحمی و نعمه نمینی بار دیگر هم داستان را پیچ در پیچ نوشته اند تا علاقه بسیار باشد به دیدن فصل سوم.

میاد و انگار وانمود میکنه عاشقه و به نظر من شهرزاد باید برگرده چون آدم باید به زندگی با دید منطقی نگاه کنه نه احساسی و گرنه به قول قباد جان کیه که شوهر و بچه و زندگی شاهونشو ول کنه بره پیچه و رد دل مُتُولی چراغ موشی بولی شهرزاد این کارو کرد البته که من نمیتونم به خودم اجازه بدم که راجب شهرزاد بد بگم شاید به خاطر علاقه ی شدیدم به ترانه جونم که نمیتونم و یا حتی قباد جان جانان که هزاران طرفدار داره (یکیش خودمن) و میخاستم راجب شیء معروف این سریال محبوب یعنی مرغ آمین بگم که من عاشق مرغ آمینم و از طریق این سریال باهاش آشنا شدم و اعتقاد پیدا کردم و چون اعتقاد دارم بهش بیش تر آرزو هامو بر آورده کرده و خیلی خوش حالم که دوباره تو فصل ۲ گوشواره و دست بندش هم مثل گردنبندش وارد سریال شد فقط کاشکی جای فرهاد

قباد به شهرزاد داده بود اون جوری من مطمئن بودم که فروش و محبوبیتش دو برابر میشد و کاش به راهی بود که میشد بازیگر های سریال رو که میدونم خیلیا عین من آرزو دارن از نزدیک ببینمشون، میدیدیمشون مثلا من آرزو دارم عمو شهاب عزیزم و ترانه جونم و پریناز خوشگلمو از نزدیک ببینم...

سمیرا: تو فصل اول خیلی هامثل من بخاطر زور گویی بزرگ آقا و بداخلاقی شیرین دلشون برای قباد سوخت اما تو فصل دوم قباد فرصت پیدا کرد خود واقعیشو نشون بده و این خود واقعی نفرت انگیزه و اصلا دلسوزی نداره... بیچاره شیرین که عاشق قباد بود و برای بدست آوردن دلش به شهرزاد ظلم کرد ولی نهایتا شهرزاد و خانواده همسرش به داد شیرین رسیدن و از هتک حرمت و مرگ نجاتش دادن قباد هم مثل همه آدم ها حق داره عاشق باشه، عاشق یکی مثل خودش نه شهرزاد...

شهرزاد لایق فرهاد و فرهاد لایق شهرزاد زندگی شهرزاد با قباد در نهایت کمی بهتر از زندگی شاپور و ثریا می شد... این سریال نشون داد که زن و شوهر هر چی تشابه شخصیتی و اخلاقی داشته باشن تو زندگی زناشویی و اجتماعی و حتی فردی موفق تر و خوشبخت تر و راضی ترند.

شهرزاد: وای چقدر این قسمت حرکت امیر جعفری چندش بود که پاشو گذاشت روی میز و با چاقو افتاد به جون ناخنش. من جای بلبیس حالم بد شد و اقعا امیر جعفری حس تنفر رو راحت میتونه منتقل کنه.

سروش خانی: تعداد شخصیت هایی که تاثیر گذارند در



نوشتاری برای عاشقانه‌های قسمت‌های اخیر شهرزاد

خوشحالم که دختر نوجوانم گردن آویز مرغ آمین می‌اندازد...

◀ حامد محمدی



نمایش عاشقانه‌های شخصیت‌های مختلف سریال «شهرزاد» در قسمت‌های اخیر، حامد محمدی کارگردان سینما را بر آن داشت تا در نوشتاری، به این موضوع بپردازد. حامد محمدی در چند ماه گذشته فیلم پر مخاطب «اکسیدان» را روی پرده داشت و علی‌رغم محدودیت‌های زیادی که در اکران این فیلم به وجود آمد، توانست مخاطبان زیادی را به خود جذب کند. او در این نوشتار که اختصاصاً در اختیار هفته‌نامه شهرزاد قرار گرفته است، ضمن شرح وضعیت نمایش عشق در آثار نمایشی و محدود شدن آن به قرارهای کافه‌ای و روشن‌فکر نمایانه، به تمجید از عاشقانه‌های «شهرزاد» پرداخته است.

عشق و سرنوشت عاشقان افسانه‌ای مانند «لیلی و مجنون»، «ویس و رامین»، «خسرو و شیرین»، «بیژن و منیژه» و... در ادبیات ما در ظاهر همراه با هیجان و شوروی عجیب بوده اما همیشه غمی پنهان در خودش داشته که هیچ وقت سر نوشت شیرینی برای این عشق‌های اساطیری رقم نخورده است: راهبست راه عشق که هیچ‌کس کناره نیست آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست جناب فتحی این فهم کامل را از عشق داشته که این غم و اندوه حقیقی عشق

بارها شنیده‌ایم که تعریف عشق، حقیقتی ساده و عینی است اما هیچ‌گاه به این راحتی قابل شرح و بسط نبوده است. از عشق نوشتن و عاشقانه ساختن به ظاهر ساده می‌آید اما اینکه مخاطب، جادوی عشق را باور کند و با عاشقان قصه همذات پنداری کند، دشوار است و جناب فتحی در آثارش نشان داده این لحظات جادویی عاشقانه را می‌تواند آنچنان به دل مخاطبین بنشانند که با غم شهرزادهايش اشک بریزند و از شادی لحظه‌هایشان هم داشتند شوق به چشم‌شان بیایند.





«شهرزاد» مقید بود و عاشقانه‌ای خالص را برای مخاطب تصویر کرد. و باز برای خودم خوشحالم که دختر نوجوانم به تماشای یک عشق ناب می‌نشیند و به جای تمثال و نمادهای عجیب و غریب، گردن آویز «مرغ آمین» به گردن می‌اندازد. برای خلق این همه عشق خسته نباشید جناب فتحی.

را در تمام لحظه‌های سریال «شهرزاد» و شخصیت‌هایش ساخته و روایت کرده است. چندسالی می‌شد که عاشقانه گفتن در سینمای ایران با سانتی مانتالیسم و روشنفکرنمایی و قرارهای کافه‌ای همراه شده بود، ولی خوشحالم که جناب فتحی به اصالت این لحظات و واقع‌گرایی جادویی عشق در اجرای عاشقانه



◀ اگر اتفاقی برای من بیفته، اون دو مرد به قول شما بیچاره دق نمی کنن... مسلمان می گردن ببینن مسیب اون اتفاق کی بوده... و خدا می دونه چه بلایی سرش میارن که مسلمان نشوند! کافر نبیند!



◀ شاپور: بله من با بابات قمار کردم سر زمین های نداشتش! و بُردم. به جاش تو رو بُردم! هم به نفع اون شد هم به نفع من، چون دوست داشتم. الان هم تو ملک منی! می فهمی؟



◀ هاشم: به مرد برای دل گرو بستن به به لحظه محتاجه، برای فراموش کردن به به به عمر.





بلقیس: من اصلاً
دلیم نمی‌خواد یادم
بیاه چطوری تموم
شد، چون اونوقت
شاید یادم بره
چطوری شروع
شد.



عبدلی: بی تو
نه کار و بار دنیا
لنگ می‌شه، نه
زمین و آسمون
جنگ می‌شه،
فقط این دل
بی صاحب منه
که برات تنگ
می‌شه!



سروان آبرویز:
خاندان
دیوان سالار به جز
پول، زبون حاضر
به جواب هم
دارن! نمی‌دونستم
اینو...





شهرزاد؛ وبازیکنان فوتبال



سپیده حیدرآبادی

به روال هر شماره از هفته‌نامه شهرزاد، در شماره سیزدهم بازیکنان فوتبال نظرات خود را درباره این سریال پرمخاطب عنوان کرده‌اند. در این شماره، ۸ بازیکن فوتبال که علاوه بر بازی در تیم‌های باشگاهی استقلال و پیروزی، اکثراً عضو تیم ملی فوتبال کشورمان بوده‌اند، درباره «شهرزاد» صحبت کرده‌اند:

به دست اندرکاران این سریال خسته نباشید می‌گویم و امیدوارم تعداد سریال‌هایی مانند شهرزاد و البته با موضوعات مختلف، بیشتر شود.

رحمان احمدی

شهرزاد سریال بسیار خوبی است و مخاطبان زیادی دارد. هر یکشنبه شب همسرم یادآوری می‌کند که فردا قسمت جدید شهرزاد می‌آید و من حتماً برایش می‌خرم و اگر منزل باشم حتماً باهم به تماشای آن می‌نشینیم.

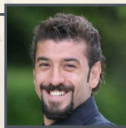


مهدی امیرآبادی

خانواده‌ام هر هفته از طریق سایت سریال شهرزاد، قسمت جدید این مجموعه را می‌بینند. خوشحالم از اینکه شاهد سریالی در کشورمان هستیم که بعد از مدت‌ها مردم را از سریال‌های بی‌کیفیت ماهواره دور کرد. ساخت سریال‌های شهرزاد و عاشقانه نشان داد که اگر هزینه خوبی برای ساخت یک اثر فرهنگی در نظر گرفته شود، می‌توانیم در کشور خودمان سریال‌های بسیار خوبی بسازیم و مردم و خانواده‌های ما برای سرگرمی، فیلم‌ها و سریال‌های کشور خودمان را انتخاب کنند.



علی انصاریان



به شدت طرفدار حسن فتحی و آثار او هستیم. شب دهم او عالی بود و حالا هم سریال شهرزاد، در فصل اول بازی علی نصیریان بسیار خوب بود تا آنجا که هر دوشنبه این مجموعه را می دیدیم، بازیگران دیگر آن یعنی شهناز حسینی، ابوالفضل پور عرب، ترانه علیدوستی، پریناز ایزدیار و... همگی عالی بودند و به بهترین شکل نقش آفرینی کردند. شهاب حسینی نقش قباد را بسیار خوب بازی کرد و یکی از بهترین بازی هایش را در این سریال دارد. لوکیشن ها عالی است و مخاطب را جذب می کند و همچنین دیالوگ های بسیار خوبی نیز دارد. باید این نکته را هم یادآور شوم که فصل اول جذابیت بیشتری داشت تا آنجا که نمی شد حدس زد که قسمت بعد قرار است چه اتفاقی بیافتد اما در مجموع کارهای حسن فتحی همیشه خوب است و مخاطبان زیادی دارد.

به هر حال آقای حسن فتحی از بهترین های سینما و توزیع یون کشور ما هستند و همه آثار ایشان دیدنی و پر طرفدار است. طبیعی است که در موفقیت یک اثر همه عوامل در کنار هم تلاش می کنند و آن را به سرانجام خوب می رسانند. درباره شهرزاد باید گفت فیلمنامه بسیار خوبی دارد، یعنی خود آقای فتحی و نغمه ثمینی به خوبی می دانستند که چطور مخاطب را با خود همراه کنند.

مهمترین عامل دیگر در دیده شدن این سریال، حضور بازیگران به نام و حرفه ای است که توانستند نه تنها در شهرزاد بلکه در مجموعه ها و فیلم های سینمایی دیگر به خوبی نقش آفرینی کنند. شهرزاد در مجموع سریال پر طرفدار و خوبی است و علاوه بر فعالان صنف سینما، توانست فعالان حوزه های دیگر و به طور کلی همه مردم را به سمت خود جذب و همراه کند. به همه عوامل و دست اندر کاران شهرزاد خسته نباشید می گویم.

افشین پیروانی



سریال شهرزاد را دنبال می کنم به دلیل اینکه در مدیوم نمایش خانگی ساخته شده است و با توجه به مشغله های کاری زیادی که دارم و ممکن است نتوانم هر دوشنبه آن را ببینم، اما تا وقتی قسمت بعدی آن نیامده، حتما هر قسمت را مشاهده می کنم. در این سریال انتخاب بازیگران در هر دو فصل بسیار خوب بوده و هر کدام سر جای خودشان با توجه به نقش قرار گرفته اند. در واقع توازنی از پیشکسوتان و جوان ها برای حضورشان در این سریال دیده می شود. علاوه بر بازیگران، بر روی فیلمنامه و سایر عواملی که در موفقیت یک مجموعه تاثیر گذار هستند، به صورت حرفه ای کار شده است، به همین دلیل هم آن را به مجموعه ای موفق یا استقبال بسیار خوب تبدیل کرده است. معتقدم که فصل اول این سریال بسیار پرمحتوا بود و طبیعتاً به فصل دوم هم می توان نمره



مخاطب خاص

بدانند پیشکسوت‌ها چه کردند. به همه عوامل، بازیگران و مخصوصاً حسن فتحی برای ساخت این سریال خسته نباشید می‌گویم. امیدوارم در آینده نزدیک شاهد اتفاقات خوبی در سینما و اتفاقات بیشتری در حوزه نمایش خانگی باشیم. این نوع آثار که مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند، گزینه‌هایی هستند که به یادگار برای نسل‌های بعدی می‌ماند و بهتر است تعداد آن‌ها بیشتر باشد.

قبولی داد. آنچه مسلم است اینکه برای سریال شهرزاد زحمت زیادی کشیده شده و امیدوارم این سریال تداوم داشته باشد. از دوستان شنیدم که فصل سوم سریال هم در حال ساخت است که امیدوارم به همین قدرت دو فصل گذشته باشد.

نکته دیگری که باید اشاره کنم این است که توجه به پیشکسوت‌ها و استفاده از آن‌ها در سریال، جای تقدیر دارد، چون معمولاً وقتی نسل‌ها عوض می‌شوند، نسل جدید باید



کشور آن را دیدند. البته باید یادآور شوم که دیگر آثار حسن فتحی هم موفق بوده و هر کدام به اندازه خود توانسته مخاطب را به سمت خود جذب کند. بازیگران شهرزاد هر کدام در جایگاه خود بسیار عالی نقش آفرینی می‌کنند. در کنار همه موارد ذکر شده، داستان شهرزاد برای همه ما نوستالژی است، زیرا خاطرات قدیم را یادآوری می‌کند. ایده‌ها و تفکراتی که در این سریال لحاظ شده، بسیار قابل تأمل است. جذابیت سریال تا اندازه‌ای است که حتی مخاطب حاضر است، هزینه‌ای را برای دیدن آن پرداخت کند. همانطور که خواندن یک کتاب ممکن است ما را مجاب کند تا آخر آن را ادامه دهیم، سریال شهرزاد

حمید درخشان



سریال شهرزاد آنقدر قوی ساخته شده که من به اتفاق خانواده‌ام هر جا می‌رویم، تعریف‌های زیادی از آن می‌شنویم. سریال بسیار خوش ساخت، مناسب و آموزنده‌ای است. جذابیت فیلمنامه تا اندازه‌ای بود که توانست مخاطبان زیادی را جذب کند. از همه عوامل و افرادی که موجب شدند تا این سریال قوی ساخته شود، تشکر می‌کنم زیرا ایده آن بسیار خوب است. انصافاً جای تقدیر از حسن فتحی کارگردان توانای کشورمان دارد به خاطر ساخت چنین سریالی که همه

بر خور دارند، بالاتر است. استقبالی که از این سریال موفق شده، نشان می‌دهد که بر روی اجزای آن و مخصوصا روی فیلمنامه بسیار فکر شده است.

مجید نامجمو مطلق



سریال شهرزاد را هر هفته به اتفاق خانوادهام دنبال می‌کنم. در واقع هر دوشنبه منتظر قسمت جدید سریال هستیم.

یکی از نکات بسیار مثبت این سریال کارگردانی حسن فتحی است که بسیار حرفه‌ای از عهده کار برآمده و اثری ماندگار را به تصویر کشیده است. فتحی در ساخت درام عاشقانه استاد است و آثارش همیشه مخاطب پسند بوده است. شهرزاد هم با اقبال بسیار خوبی از طرف مخاطب همراه شد که جای تقدیر و تشکر از این کارگردان ارزنده کشورمان دارد. همه عوامل این سریال پرطرفدار عالی و حرفه‌ای کار کردند و جز بهترین‌ها هستند. من معمولا سریال‌های ایرانی را نگاه نمی‌کنم اما سریال شهرزاد و عاشقانه را هر هفته می‌بینم، البته شهرزاد برایم از جذابیت خاصی برخوردار است. فیلمنامه آن، تا حدی خوب نوشته شده که مخاطب را هر هفته با خود همراه می‌کند. هر جا می‌روم، همه صحبت از شهرزاد می‌کنند و آن را دوست دارند. در طول سال‌های گذشته در کشور ما کم پیش آمده که سریالی تا این اندازه مورد استقبال مردم قرار گیرد و برای این امر باید به حسن فتحی تبریک گفت. مظلومیت، وفاداری، عاطفه و عشقی که در این مجموعه قرار دارد ستودنی است و همین موضوع بر اقبال آن افزوده است. علاوه بر همه مواردی که ذکر شد شهرزاد بازیگرانی بسیار نامی و مشهوری دارد که در بسیاری از فیلم‌های موفق سینمایی نقش آفرینی داشته‌اند. سریال، دیالوگ‌های بسیار خوبی دارد که مخاطب را به تامل وادار می‌کند. شهرزاد دوره تاریخی را به تصویر کشیده که برای مخاطب و مخصوصا کسانی که در آن دوره زمانی نبودند، جالب است. به همه عوامل سریال خسته نباشید، می‌گویم.

هم همه مخاطبان‌ش را مجاب کرد تا داستان را تا انتها و حتی تا فصل دوم پیگیری کنند. من یادین دو قسمت اول سریال جذب داستان شدم و قطعاً تا آخرین قسمت فصل دوم، آن را پیگیری خواهم بود.

سیروس دین محمدی



به خاطر مشغله کاری زیاد فرصت دیدن سریال شهرزاد را ندارم اما خوشحالم از اینکه سریالی با کیفیت بسیار خوبی ساخته شده که همه مردم را با خود همراه کرده است. خانواده خودم هم هر دوشنبه منتظر قسمت جدید سریال شهرزاد هستند و چند قسمتی از آن را که خودم وقت داشتم و دیدم، متوجه شدم با دیگر سریال‌ها متفاوت است. به نظرم، حسن نوشتاری که در این سریال وجود دارد، عامل مهمی برای جذب مخاطب است. امیدوارم شهرزاد تداوم داشته باشد و هموطنان ما اوقات فراغت خود را با دیدن این نوع سریال‌ها سپری کنند.

حنیف عمران زاده



شهرزاد سریال بسیار خوبی است و در بین همه مردم جا افتاده است. زمانیکه فصل اول آن پخش می‌شد، از نظر کاری کمی خلوت‌تر بودم و همه قسمت‌های را همان دوشنبه می‌دیدم. فصل دوم را هم دیده‌ام اما به خاطر تمرین‌هایم نتوانستم هنوز کامل ببینم. باید گفت شهرزاد، سریال موفق است و تقریباً همه جا صحبت از آن است. حتی وقتی با دیگر دوستان در سفرهای تفریحی هم که بودیم، پیش آمده که درباره شهرزاد صحبت می‌کردیم. به نظرم بهتر بود این سریال موفق از تلویزیون پخش می‌شد تا ۱۰ درصدی که امکان خرید این سریال را ندارند، می‌توانستند از این طریق به تماشای سریال بنشینند، زیرا شهرزاد از بسیاری از سریال‌های تلویزیون که شاید از سطح کیفی پایین



قاب آینده

قسمت چهاردهم



شهرزاد چگونه می‌خواهد از دست شاهپور و قباد در امان بماند؟



فرهاد در دادگاه؟



آدم می‌تواند دل قباد را به دست بیاورد؟



شاپور هر روز خطرناک تر می شود.



اتفاقی در راه است...



نریسی خواهد از شاپور انتقام بگیرد؟





تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

Lotiis
PLAY
LotusPlay.ir



فصل دوم
شهرزاد

عرضه قسمت چهاردهم: دوشنبه ۳ مهر ماه

www.shahrazadseries.com